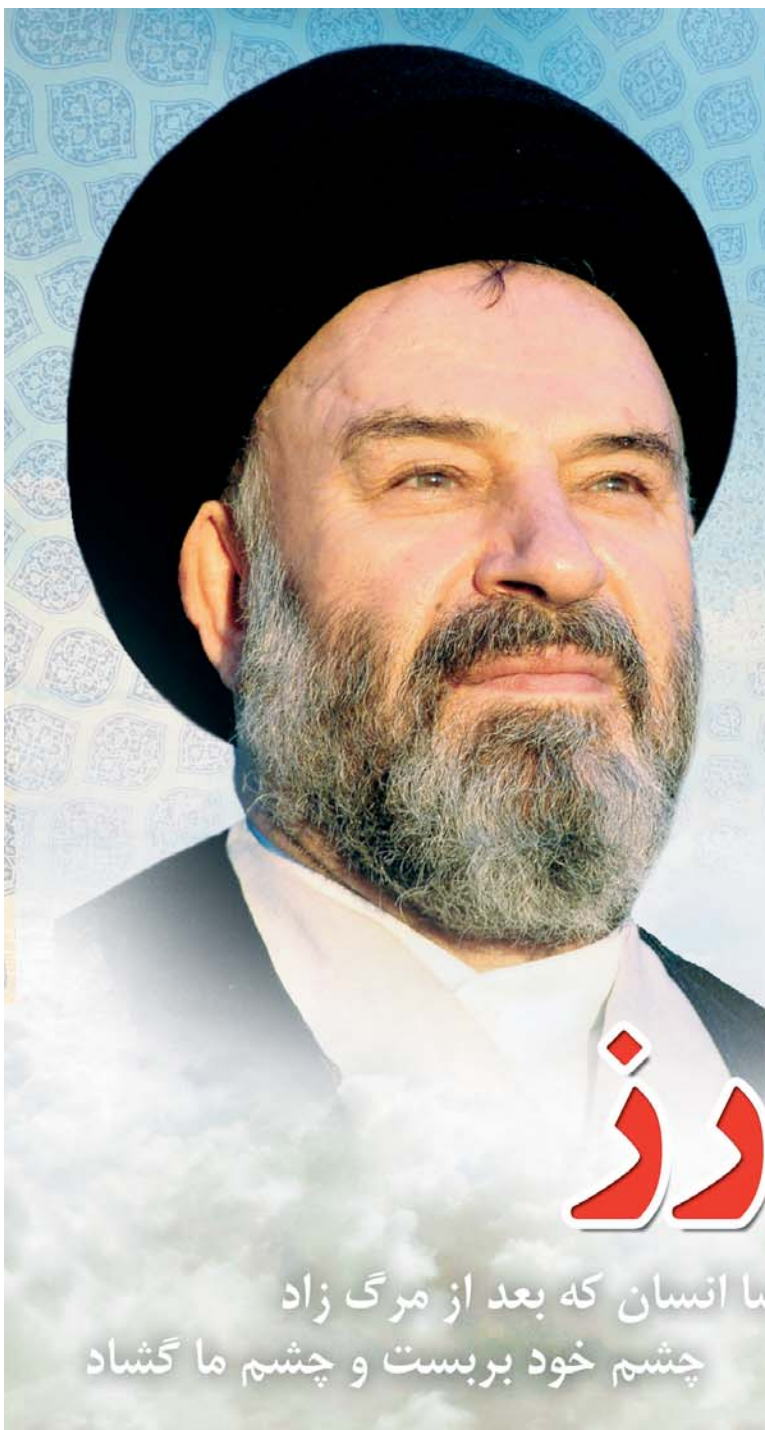




خدمتگزار صدیق

ویژه نامه اربعین



چهل روز از عروجت می گذرد

و اینک دلتنگ تو هستیم ...

# شجاعی مبارز

ای بسا انسان که بعد از مرگ زاد  
چشم خود بر بست و چشم ما گشاد

## تقدیر و تشکر

بسم الله الرحمن الرحيم

ومن يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب

السلام عليك يا ابا عبدالله الحسين

با اینکه قریب به چهل روز از اتفاق فراق می گذرد، هنوز داغ از دست دادن پدر بزرگوارمان سلاله خلف خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در سینه مان تازه است اما شعله های سوزان این غم با همه دردناکی وصف ناپذیرش به زیبایی فضای قلبمان را به الطاف همیشه جاریه الهی روشن کرد و ضایعه ی هجرت و وجودشان به دیار باقی همانند عمر سراسر پر برکتشان برایمان سرشار از حکمت و بصیرت گردید و تا امروز که سالروز شهادت یازدهمین فخر دو عالم حضرت امام حسن عسگری (ع) است و چهل روز از ارتحال آن موحد عارف، محب صادق، مجاهد نستوه شریعت و طریقت، حقیقت شناس عین الیقین، علاء دولت و دین، عالم بصیر، مفسر قرآن کریم، گزین احد، یاور دین احمد، کریم السجایا، جلیل الصفات، صاحب رای روشن و لسان بلیغ مرحوم حضرت آیت الله سید حسن شجاعی کیاسری سپری گردیده است، الحق شاهد بودیم که زحمات خالصانه این مرد بزرگ چگونه با حضور کریمانه، شرافتمندانه و غیورانه استادان، بزرگان عرصه دین و علم، دوستان و آشنایان، دوستداران و عاشقان و بارانش با برگزاری جلسات متعدد پر خیر و برکت سوگواری و صدها بار ختم قرآن کریم، همچنین با خیل عظیم پیام های سراسر محبت و عنایت به تمامی قدردانی شد و البته موجب تعظیم شعائر اسلامی و تسلاهی خاطر داغدیدگان حضرتش گردید.

بدینوسیله از علماء بزرگ بلاد خصوصاً علمای مازندران، قم، نجف، مشهد و... اساتید و طلاب محترم حوزه های علمیه، ائمه محترم جمعه و جماعت مازندران و سراسر کشور، دبیرکل محترم حزب الله لبنان، جنبش جهاد اسلامی فلسطین، جنبش حماس، دانشگاهیان، اصناف و

بازاریان، هنرمندان و ورزشکاران و عموم مردم شریف مازندران که با حضور یا ارسال پیام و نیز برگزاری مجالس دعا و ترحیم مراتب احترام و لطف خود را ارزانی داشتند صمیمانه تشکر می کنیم. از مراجع عظام تقلید، رئیس محترم جمهور، رئیس محترم قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، هیات رئیسه و اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری، رئیس و اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیر و اعضای محترم شورای نگهبان، رؤسای سابق جمهور، وزرا و استانداران، قضات دیوان عدالت اداری و رئیس کل و اعضای هیئت مدیره بانک مرکزی و سایر مسئولین دولتی، فرماندهان محترم نیروهای نظامی و انتظامی صمیمانه تشکر می کنیم.

از صدا و سیما جمهوری اسلامی و نیز از خبرگزاری ها و روزنامه ها و سایر اصحاب رسانه به خاطر پوشش مناسب خبری و تولید برنامه و محتوا در قالب های مختلف در اطلاع رسانی و معرفی شخصیت و خدمات آیت الله شجاعی کیاسری صمیمانه تشکر می کنیم. در پایان ضمن عرض تسلیت این ضایعه ی بزرگ به پیشگاه حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) و جامعه اندیشمندان و عالمان و وارستگان وارزش مداران و دین باوران، بارها و بارها به سبب همدلی و همدردیتان که صمیمانه به قلب هایمان نشست و یاری مان کرد خاضعانه سپاسگزاریم و خداوند کریم و حکیم و رحیم را شاکریم که فقدان جانگداز این موحد عارف را با وسعت عنایات شما بزرگواران بر ما آسان تر گردانید و از خدای قادر متعال مسالت می کنیم علو درجات را به روح مطهر امام و شهیدان و پیروان راستین شان مرحمت و این ثلمه وارد شده بر اسلام و مسلمین را جبران فرماید و توفیق ادامه راه و دوام باقیات صالحات آن عالم ربانی را به ما عطا فرماید. امید آنکه این الطاف مانند همیشه مستدام و پایدار باشد و در جلسات نورانی قرائت قرآن همواره یاد روح مطهر این علم وارسته زنده نگه داشته شود.

اجرکم عند الله

بیت مرحوم حضرت آیت الله سید حسن شجاعی کیاسری



آدم قلم به دست بگیرم و خاطره ای نقل کنم  
آدمم، خواستم، اما نتوانستم!  
چگونه می توان عمر سراسر شگفتی تو را  
خلاصه به خاطره هایی کرد؟!!

کسی که لحظه به لحظه عمرش، کسی که  
رج به رج دفتر زندگیش متمایز از دیگران است  
چطور می توان لحظه ای درخشان تر از دیگر  
لحظات در او یافت و برای دیگران نوشت؟!  
براستی چگونه می توان لحظه ای را برگزید  
حال آن که تمام لحظات تو درخشان ترینند؟!  
چه روزگاری که خردسالی بودی در کوچه  
پس کوچه های کیاسر...

فرصت نیافتی تا طعم کودکی را در آغوش  
مادر بچشی! تو حتی از کودکی ات مرد رقم  
خورده بودی. در روزهایی که همه کودکان در  
دشت بی کران عشق مادرند تو در نشیب و  
فرازهای کیاسر همیزم جمع کردی تا هوای خانه  
ای خالی از حرارت مادر را گرم کنی. و چه  
خوب آموختی که از داغ رحلت مادر آتشی در



دوران کودکی پدر

سینه ات بسازی که هرم نفس های مهربانت  
هر جا را که قدم گذاشتی گرم کند...  
انگار از همان سالها آماده می شدی تا فقدان  
مادرت را در آغوش زهرای اطهر به صبر بنشین  
و تمام عشقی را که قرار بود از حضور مادر  
بیاموزی از سر چشمه دریافت کنی و براستی  
که تو سزاوار سرچشمه ها بودی تا رودی  
خروشان و جوشان باشی در قلب های رنج دیده  
و دل شکسته...



سالهای ابتدای طلبگی

و چه روزگاری که به تدبیر پدر بزرگوارت  
هوشتم نمایان شد و راه به دبستان یافتی تا  
مشق دین و علم و ادب و هنر کنی و دیری نیاید  
که جسورانه در آغازین روزهای نوجوانیت با  
عشق یاد گرفتن و بیشتر دانستن پای از  
جغرافیای بیرون گذاشتی و روانه این دیار و  
آن دیار شدی و صد البته که این شوق یادگیری تا  
آخرین نفس هایت ادامه دار بود.

یادم نمی رود شیرینی همراهی مشتاقانه پدرم  
را که پا به پای فرزند تازه به دبستان راه یافته اش  
شعرهای کتاب هایم را خط به خط از بر میکرد  
و به هر دویمان می افزود.....



## به جده ات زهرا که «مرگ» واژه کوچکی است برای اتفاق آخرین روز آبان ماه...

دل نوشته دختر دلتنگت فرزانه سادات

از کدام سوی زندگیت خاطره نقل کنم بزرگ  
مرد؟!  
از روزگاری که به گفته همه بزرگان تو برتر  
بودی! هنوز چیزی از تحصیل نگذشته بود  
که به جایگاه استادی درآمدی و با کلام فصیح  
و روشنت ستاره بلد راهی شدی در آسمان  
حوزه قم و دریغ از ابرهایی که تاب ستاره ها را  
ندارند اما تو همیشه ستاره ماندی...  
مگر می شود میان آن همه بزرگ  
مردان و بزرگ اندیشان انتخاب تو  
در بین کسانی که به تفسیر روان  
قرآن بنشینند اتفاقی بوده باشد؟  
مگر میشود اندیشه های سالهای  
جوانیت را به چشم تمایز ندید!  
چگونه گوشه ای از زندگیت را جدا  
کنم وقتی تو را جدا کرده اند برای  
تفسیر سرچشمه های ناب کلام  
حق...

آن قدر عمیق و صمیمانه کنار  
کلام خداوند نفس کشیدی که  
کمتر کسی را می توان یافت تو را  
واسطه دریافت هدایت الهی از  
استخاره های فصیح و روشنت  
نکرده باشد...  
شاید بتوان خاطره هایت را از  
اسناد ساواک پیدا کرد. دشمنان را  
با شجاعت و اطمینان به ستوه  
آورده بودی جوان سی و چند ساله وارسته!  
تاریخ به اقتدار تو در راهی که به آن ایمان  
داشتی قبطه خواهد خورد. در روزگار خفقان  
و زندان و نادانان چه بی ریا آب غسل شهادت



**حرفها شنیدی و لب از حق فرو نبستی و خم به ابروهایت نیاوردی. کنار  
مردم پا برهنه و ستم دیده تمام راه را پیاده آمدی حال آنکه سواران  
مرکب قدرت از کنارت می ناخندند و می گذشتند و تو به لبخندی  
مطمئن و صبور در قدم های خویش استوارتر می شدی**

این حرف ها را معاندین تو در پیشگاه عدالت  
از همه ما روشن تر خواهند گفت، چون با  
چشم هایشان دیدند که به هر طریقی خواستند  
از مسیر روح انقلاب به بیراهه های سیاست و

قدرت بکشاندت سر خم نکردی و شجاعانه  
مظلومیت ها را فریاد زدی تا آرزوی کرنش و  
سازشت با دورویی ها، دورنگی ها به قلب های  
سیاهشان بماند.

حرف ها شنیدی و لب از حق فرو نبستی و  
خم به ابروهایت نیاوردی. کنار مردم پا برهنه و  
ستم دیده تمام راه را پیاده آمدی حال آنکه  
سواران مرکب قدرت از کنارت می ناخندند و  
می گذشتند و تو به لبخندی مطمئن و صبور  
در قدم های خویش استوارتر می شدی و چه  
لحظه ها که بی هیچ عجله ای ایستادی تا زخم  
پای در راه مانده ای را التیام دهی...

دلم تنگ شده است...  
برای سالهایی که در مسند قضا عباي عدالت  
به دوست انداختی و همان شجاعت و  
جسارت و مسئولیت را به خدمت گرفتی.  
سنگ صبور خسته دلان شدی و بغض هایشان  
را مردانه گریستی... گریستی تا لبخند را بر  
لب های حق نشانندی...

و وای از روزگاری که چرخ زمانه تو را خانه  
نشین کرد. خون به جگر شدی و صبوری کردی  
بر جهل زمانه ای که نه تو را فهمید نه اندیشه هایت  
را! نه دلسوزیت را خریدار بود نه مردانگی ات را  
! نه حکمت و تدبیرت را تمکین کرد و نه  
شجاعتت را تاب آورد...

مگر به کدام شجره منهیبه نزدیک شده بودی  
که اینچنین استحقاق هبوط یافتی؟  
چگونه می شود از تو خاطره نقل کرد...  
مردی که معنای تمام کلمه مرد بود...

در خانه جوری پدری کردی که انگار کاری  
جز پدری کردن نداری و براستی که در تمام  
زندگیت پدر بودی و پدران در تمام نقش هایت  
جای گرفتی.  
پدر! نه فقط ما که بعد از تو هر کس کنارمان  
نشست بغض یتیمی به گلو داشت...

جوری پدر بزرگ بودی که انگار  
همین یک کودک را داری و فقط  
آفریده شده ای تا پدر بزرگ او باشی...  
با تولد هر نوزادی برقی در چشم هایت  
بود که انگار این تنها مخلوق  
آفریدگار توست...

آن قدر نقش کودکانه هایت را  
خوب بازی میکردی که بچه ها گاهی  
یادشان میرفت چه کسی است که تا  
این اندازه دنیای ساده شان را می فهمد  
و پا به پایشان توپ بازی می کند و  
می دود و کشتی می گیرد و قاه قاه  
میزند از شادیشان...

چطور می توانستی همه چیز باشی  
اما هیچ کدام این ها نباشی! تو فقط  
خودت بودی!  
چه قدر زیبا و شاکر به تمام نعمت  
های پروردگار می نگرستی...

عشق را در نگاه تو به عالم می توان ترجمه  
کرد. تو از دیدن کوچکترین زیبایی ها آن چنان  
به وجد می آمدی که سادگی قلب کودکان را  
تداعی می کرد و چه آزادانه و وارسته از کنار





آنچه در پی می آید دل گو به های سید سعید، فرزند آیت الله شجاعی کیاسری است که در فراق پدر آن را سروده. بخشی از این شعر در این مجال منتشر می شود. باشد که مورد توجه دوستداران مرحوم قرار گیرد. متن کامل این شعر را در پایگاه اطلاع رسانی مرحوم آیت الله شجاعی به نشانی shojaeikiasari.ir بخوانید

پدر نبود فقط، روح بود و ریحان بود معلم ادب و دین و علم و ایمان بود نه در سخن فقط از راز آیه ها می گفت که در عمل همه آموزگار قرآن بود کریم بود و سخی بود و اهل بخل نبود رحیم بود که عبد خدای رحمان بود نکرد غیبت و تهمت به کس نزد همه عمر نه در سخن، به عمل زاهد و مسلمان بود تمام عمر به جز حق زبان خود نگشود اگر به محفل و بر منبری سخنران بود نه بیم داشت ز شاه و نه شرم داشت ز شیخ به گاه گفتن حق، اشجع شجاعان بود فهیم بود و به فهمش فضول راه نداشت به بزم معرفت و فضل فحل میدان بود خطیب بود و خطایی نداشت خطبه ی او سخن شناس و سخن گستر و سخندان بود چو کوه بود نه از برف لرزه بر می داشت نه در برابر توفان و باد لرزان بود نه در زمان خوشی مست سرخوشی می شد نه در زمانه ی غم مضطر و پریشان بود نه با توجه و اقبال خلق می خندید نه در میانه ی ادبار دهر گریان بود توجهی به جز از وجه کردگار نداشت توکلش به خداوند پاک و سبحان بود به عمر خویش به جز صبر و غیر شکر نکرد به درد خویش صبورا نه شکرگویان بود چه درد، غربت و مظلومیت به دوران بود چه درد، عزلت و مصدومیت زسرطان بود به روزگار تملق تملقی ننمود که سخت دشمن دونان و چاپلوسان بود به فکر سود نبود و به جمع مال نرفت به فکر سفره ی محروم مستمندان بود نه در برابر ارباب زر کمر خم کرد نه پشت گرم به درگاه زورمندان بود برای دینی دون با کسی نزاع نکرد اگر چه با باطل دست در گریبان بود اگر چه با زشتی جنگ بی امانی داشت اگر چه با زشتان تند خوی و غضبان بود همیشه دشمن افراط و دشمن تفریط همواره همراه حکم و کتاب و میزان بود اگر چه خورد بسی سیلی از چپ و از راست همیشه همقدم راه مستقیمان بود گواه صدق همین بس که قول ثابت او دوتا نبود، جوان بود یا ز پیران بود شریف بود و مزین به علم و تقوی و فضل قوی اراده و آزاده بود و انسان بود صدای روشن او در کویر این ظلمات برای تشنه لبان همچو آب حیوان بود بهار هر نفسش صد چمن طراوت داشت ادامه دارد....

به جدّه ات زهرا، که مرگ واژه کوچکیست برای اتفاق آخرین روز آبان ماه....  
مرگ را دیدم که خجل درکناری ایستاده بود و به افتخار حیات جاودانه ات کف میزد....  
تازه فهمیدم که نقل خاطره از تو یعنی نقل نکردن هزاران لحظه درخشان و هدر دادن یک عمر به بهای نگارش یکی...  
تو شبیه هیچ کس نیستی. فقدان تو به ما آموخت که تو را هرگز نمی شناختیم. تو حتی با نبودن هم به ما درس حکمت دادی...  
"حسرت" تنها کلمه ایست که این روزها با جگرمان لمسش می کنیم.  
"خدا صبرتان دهد" تنها جمله ایست که این روزها با تمام وجود معنایش را می فهمیم.  
و کاش خدا صبرمان دهد.  
تو دعایمان کن! که دعای تو در حق ما گیر است....  
ان شا الله.



امید وارم در آینده توفیقات بیشتر نیارت هدایت منم  
این نده رابیز مندر منوم در انوه جهان معنون به ان نهانی است  
درش بیشتر می اندوخته اند و به اخلاق حسنه و اعمال نیکو  
گرفته اند  
بانتفر محمد بد رت  
۱۳۸۱ / ۴ / ۹

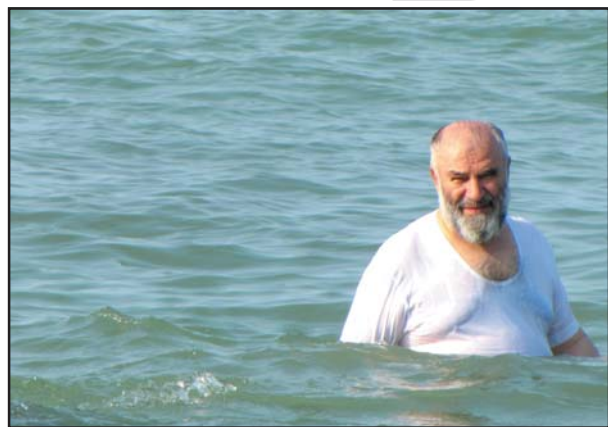
با چشم هایم دیدم که پا برهنه های دل سوخته تو را فهمیدند و تمام قدم هایی که کنارشان پیاده آمده بودی تو را چون معشوقه ای به روی سر گرفتند و اشک های خالصانه شان بغض آسمان دلشکسته شهر را هم شکست و چه کسی می توانست آسمان آن روز را دلداری دهد؟!  
من با چشم هایم دیدم که تو حتی رفتنت هم شبیه آمدنت، شبیه ماندنت، شبیه بودنت پر از شور و شعور بود...  
با چشم هایم دیدم باران رحمت الهی چگونه غبار سالیان از چهره ات زدود و داغ تمام زندگیت را آرام کرد...  
و چه زیبا چشمهایت را بستی...  
چه محرم و صفری بر ما گذشت و خوشا بر تو...  
چه محرم و صفری بر تو گذشت وقتی رنج سال های کودکی ات جوانی ات و میانسالگی هایت را در آغوش مادرت یک شبه رها کردی و بار سالهای پر از رنج و درد را در خاک کوچه پس کوچه های کودکی ات به زمین گذاشتی و به الیه راجعون آرام گرفتی...

همه چیز می گذشتی گویی هیچ مطاعی در دنیا هم قیمت کرامت و عزت نفس و سلامت روح نبود...  
هیچ رنگی نتوانست سفیدی تو را خدشه دار کند...  
می ترسم خاطره نقل کنم و قلمم بشکند از غصه هایی که در چشم های نافذت می دیدیم و آرزو به دل ماندیم که این مرد بزرگ یکبار لب به گلایه باز کند و غم هایش را بر سر سفره های کریمانه اش بریزد...  
و وای از روز هایی که غصه هایت زخم های اشتیاق شد بر جگر داغ دیده ات. آنقدر کریمی که به ما فرصت دادی از خون بی کران محبت خداوندی ات لقمه برداریم. هر ثانیه ای که کنارت نشستیم تا زیبایی دردناک روزهای واپسینت را تیمار کنیم از کرامت خداوندگارت بود، همه ما شاکر تو و پروردگارت هستیم اما به ما حق بده که کا...ش کور می شدیم و لحظه لحظه دل کندنت را به چشم نمی دیدیم!  
آه از تلخی فراق و آه از شیرینی وصال...  
در خواب هایت چه دیده بودی که اینگونه مسلط و آرام در انتظار وعده ماه محرم ماندی؟!  
چه صبورا نه و مقتدرانه ضربه های عشق را به جانت خریدی...  
چه شبهایی که تا سحر نخوابیدی و صبوری کردی و همیشه شاکر بودی...  
و چه حالا...  
حالا که فقدان تو را می بینیم...  
تو حتی فقدانت هم از دیگران متمایز است...  
حتی نبودنت هم شبیه دیگر نبودن هایت نیست...

### تصاویری جامانده از آلبوم خاطرات پدر



احترام به والدین درسی که از پدر آموختیم  
همواره در سال های پایانی عمرش به باغچه سر می زد



اگر مجال داشت به فکر سلامش هم می افتاد  
پدر علیرغم مشغله به صله ارحام بسیار تاکید داشت





خاطراتی از زبان فرزند آیت الله؛

## مرحوم پدر همواره دغدغه مردم را داشت

مرحوم آیت... سید حسن شجاعی همواره خدمت به مردم آن هم در کسوت نمایندگی در مجلس شورای اسلامی را بسیار باارزش می دانستند. حتی بارها مناصب اجرایی حساس و مهمی که در مقاطعی به وی پیشنهاد می شد را رد می کرد بارها از لسان ایشان شنیدیم در پاسخ به این پیشنهادات می گفت: که این پست و مسئولیت ها که توسط اشخاص به انسان محول می شود به آسانی نیز از انسان پس گرفته می شود. ولی شان و جایگاه نمایندگی مردم در مجلس هرگز اینگونه نیست. مشروعت این جایگاه را از مردم می گیریم و ارزشش به مراتب بالاتر است. اگر چه در مناصب اجرایی شاید دست ما باز تر باشد. اما وی با این حال برای نمایندگی مجلس هیچگاه بیشتر از عرف و به شکل امروزی تلاش و هزینه نمی کرد همواره معتقد بود: رای مردم به من حاصل محبتی است که خداوند در قلب آنها قرار داده و ربطی به تلاش و هزینه مادی ما ندارد. با همین تفکر بود که هرگز برای تبلیغات انتخابات زیاد روی نمی کرد. کسانی که ایشان را می شناسند خوب یادشان هست.



حاصل و برکات این جلسات می توان به نامه ای اشاره کرد که ایشان در زمان حیات خود تمایلی به انتشار آن نداشتند و تا امروز منتشر نشده است. ایشان این نامه در همان سالها برای رهبر معظم انقلاب نامه نوشتند و در جلسه ای خصوصی حضورا پیشنهادات و انتقادات دوستان را محضر رهبری معظم مطرح کردند که متن نامه در صفحه بعد آمده است. این نامه و جلسات متعدد در آن دوره زمانی نشان دهنده نگرانی ها و دغدغه های ایشان برای سربلندی نظام اسلامی بود.

### ارزش علم از دیدگاه آیت... ۱.

مرحوم پدر همواره افراد را به کسب علم و معرفت دعوت می کردند و این کار بارها اتفاق افتاده و من تنها یک نمونه را ذکر می کنم. روزی جوانی به دفتر کارشان مراجعه کرد و گفت: به تازگی مدرک کارشناسی را اخذ کرده ام و می خواهم کاری در بخش خصوصی آغاز کنم که وقت و انرژی زیادی را از من می گیرد در عوض در زمان کوتاه به سود خوبی خواهم رسید و از ایشان درخواست مشورت کردند. پدر در پاسخ گفت: کار بسیار خوب است و کسب درآمد برای امرار معاش هم مورد تاکید اسلام است. اما نه در حدی که شما را از ادامه تحصیل بازدارد. شما به عنوان یک انسان جایگاه بالایی دارید و باید استعدادهایتان را شکوفا کنید و وظایفی مهم تر از کسب درآمد دارید که همان کسب علم و فضیلت است. مال دنیا ممکن است رفاه بیشتر و جلال بیشتری به شما بدهد یا عزت و احترام شما را بین عوام الناس بالا ببرد ولی تنها چیزی که روح شما را بزرگ و بزرگ تر می کند کسب علم و دانش است. پس تا جایی که می توانی به دنبال علم باش و کاری را انتخاب کن که مانع ادامه تحصیل تو نشود...

### کمک به مظلوم

یکی از ویژگی های مرحوم شجاعی در قضاوت دستگیری از مردم ستمدیده و نیازمند و توجه به مشکلات آنها بود. با توجه به اینکه دیوان عدالت اداری به شکایات مردم از دستگاه های دولتی رسیدگی می کرد ایشان معتقد بود حتی المقدور باید آرای دیوان به نفع مردم رنج دیده باشد. یک روز در محل کارش حاضر بودم حدود ساعت ۱۱ وقت رسیدگی به پرونده ای بود. شخصی به عنوان وکیل یکی از دستگاه های دولتی برای دفاع از سازمان خود وارد اتاق شد. معلوم شد که ایشان در مورد پرونده ابهاماتی دارند چون معمولا در بسیاری از موارد نیازی به وکیل پیدا نمی شد و رای صادر می شد. این بار اما شخص شاکی را دعوت نکرده بود و فقط از وکیل سازمان دولتی آمده بود وکیل پس از انجام صحبت های معمول به درخواست حاج آقا شروع به ارائه توضیحات و دلایل قانونی سازمان برای اخراج فرد شاکی کرد. متوجه داستان پرونده شدم. شاکی کسی بود که چند ماه پیش به دلایلی ترک کار کرده بود و پس از چند ماه مجدداً به محل کار مراجعه کرده بود اما متوجه شده بود که او را اخراج کرده اند و در این راه مشکلاتی برایش پیش آمده بود. حاج

### شوق خدمت واقعی و بی ادعا به اسلام و نظام اسلامی

حداصل سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ که ایشان از مسئولیت نمایندگی مردم در مجلس فارغ بودند به عنوان قاضی در دیوان عدالت اداری مشغول به خدمت بودند. بسیاری از دوستان و آشنایان و همکاران ایشان گمان می کردند که ایشان در این دوره از عمر پر برکتشان در جهت رفع مشکلات نظام اسلامی فعالیت خاصی نمی کنند یا حداقل کمتر درگیر مسائل هستند. اما واقعیت چیز دیگری بود.

بر اثر همین صدا ایشان از خواب پریدند. وقتی متوجه حضور من در اتاق شد با عصبانیت از من پرسید اینجا چه خبر شده است؟! این سرو صدا دیگر برای چیست؟! من هم که از هیجان هوادارن هیجان زده شده بودم، موضوع را به ایشان عرض کردم و گفتم با توجه به حساسیت این لحظه احتمالاً رای شما بالاست که دوستان اینگونه با صدای بلند ابراز احساسات می کنند. مرحوم پدر بدون اینکه از شنیدن خبر اول ناراحت یا از شنیدن دلیل این سر و صدا خوشحال شوند با همان عصبانیت گفتند این چه کاریست؟!

### بی تفاوتی به پست و مقام

نمونه بارز این اعتماد و توکل به خداوند در اینگونه امور خاطره ایست از دوران انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۳. شب انتخابات و زمانی که شمارش آرا در فرمانداری ساری در حال انجام بود مطابق سنوات گذشته، اعضای ستادها و دوستان ایشان در منزل ما در ساری جمع شده بودند و تا صبح بیدار بودند. معمولاً این ایام دوران پر استرس و پرتلاشی بود به طوری که وقتی رای مناطق مختلف اعلام می شد، زمانی که وی از رقبا عقب می افتاد همه دست به دعا برمی داشتند و برای موفقیتش دعا می کردند. زمانی هم که از سایر رقبا پیشی می گرفت همه با ذکر صلوات شادی شان را اعلام می داشتند. اما در این میان جالب ترین نکته که در باور برخی از دوستان و حتی نزدیکان ایشان نیز نمی گنجد این بود که ایشان در اتاقی و به دور هیاهو به استراحت می پرداخت. در چهره اش کمترین اثری از نگرانی و التهاب دیده نمی شد. آن شب نیز حوالی ساعت ۴ صبح خبر آوردند که احتمال زیاد رای ایشان به حد نصاب نمی رسد و انتخابات به دوره دوم کشیده می شود. همه نگران بودیم و امیدها کم رنگ بود. عده ای از حاضرین از ما که فرزند حاج آقا بودیم خواستند موضوع را با ایشان در میان بگذاریم. وارد اتاق ایشان شدم و دیدم پدر در خواب عمیقی فرو رفته. دلم نیامد بیدارش کنم و مدتی همانجا منتظر ماندم. ناگهان صدای بلند یا علی هواداران را شنیدم و

### یکی از ارباب رجوع ها در شعبه دهم دیوان عدالت اداری:

شنیدم شخصی بنام شجاعی کیاسری در شعبه دهم هست که کاری به قوم و قبیله افراد ندارد و هر جا حقی پایمال شود و کسی از او استمداد کند او کمک خواهد کرد. من نیز با هزاران امید خدمت شما آمدم و امیدوارم درست آمده باشم... آیت... شجاعی لبخندی زد و گفت دوستان و همکاران به ما لطف دارند اما من وظیفه ام را انجام می دهم

ایشان عده ای از دوستان متخصص و بی ادعا از حوزه و دانشگاه و کسبه و بازاری را دور هم جمع کرده بود و برنامه های مشخص و جالبی را دنبال می کرد. آنها ماهیانه جلسات منظمی را بصورت نوبتی در منزل این دوستان برگزار می کردند و در این جلسات به بررسی و چاره اندیشی برای رفع مشکلات می پرداختند. از

حالا ما به درک! فکر همسایه ها را بکنید! هر چه خدا بخواهد همان خواهد شد. به آقایان بگو به خدا توکل کنند. ما آنچه که وظیفه داشتیم انجام دادیم و تمام شد. حالا دیگر کار دست خداست... جالب اینجاست همه منتظر ماندیم تا ساعت ۸ صبح اخبار سراسری خبر قطعی انتخاب ایشان را اعلام کرد.



حمایت قرار بدهد و راهنمایی و کمک کند. من پول آنچنانی ندارم که وکیل بگیرم چه باید بکنم؟ اما کسی را پیدا نکردم. ناچار شدم از همکاران خودتان و کارمندان دیوان عدالت اداری پرس و جو کنم و از آنها شخصی را خواستم که بتواند حق من را از ظالم بگیرد و من را یاری کند. همکاران شما بالاتفاق نام شما را بردند و گفتند شخصی بنام شجاعی کیاسری در شعبه دهم هست که کاری به قوم و قبیله افراد ندارد و هر جا حقی پایمال شود و کسی از او استمداد کند او کمک خواهد کرد. من نیز با هزاران امید خدمت شما آمدم و امیدوارم درست آمده باشم... ایشان لبخندی زد و گفت دوستان و همکاران به ما لطف دارند اما من وظیفه ام را انجام می دهم و اینکار وظیفه ماست. سپس در مورد مشکل او پرس و جو کرد و با مهربانی بسیار و چهره ای گشاده او را راهنمایی کرد. پس از توضیحات کافی او را به یکی از همکاران ارجاع داد تا مشکل او را مجددا بررسی و حتی المقدور حل کنند. مرد با شادی زاید الوصفی تشکر کرد و اتاق را ترک کرد. بعد از رفتن مرد پدر رو به من گفت: می بینی چقدر ساده می توان دل مردم رنج دیده را شاد کرد؟ مردمی که اینگونه بر آنها جفا می کنیم و وقتی برای احقاق حق به اینجا مراجعه می کنند گمراهشان می کنند و به همین راحتی خوشحال می شوند حقتان این نیست...

معمول به اتاق مسئول دفتر شعبه مراجعه می کنند نه به شخص قاضی. ضمن اینکه قضات نیز به دلیل کثرت کار تمایلی به صحبت با افراد ناشناس ندارند و ترجیح می دهند زمانی با افراد صحبت کنند که خودشان لازم می دانند و آن هم برای ادای توضیحات به هر حال مرد ناشناس وارد اتاق شد و لهجه ترکی داشت. مطمئن شدم که از همولایتی ها یا هم شهری ها هم نیست. مرد با لحنی نگران و خسته پرسید حاج آقای شجاعی کیاسری شما هستید؟ پدر گفت: بله امر شما چیست؟ مرد گفت بنده پرونده ای در یکی از شعبات دیوان عدالت اداری دارم که قاضی آن حق من را پایمال کرده... از صبح آمده ام تا کسی را پیدا کنم که من را مورد

حق با شماست. بنده هم دیگر پیگیری این پرونده نخواهم بود و هر چه شما دستور بدهید انجام خواهم داد.

### ایشان ملجا و امید رنجدیدگان بود

در زمانی که ایشان در شعبه دهم دیوان عدالت اداری به عنوان رئیس شعبه خدمت می کرد روزی برای انجام کار شخصی در دفترکارش حاضر شدم. مردی با چهره ای خسته و نگران در زد و اجازه ورود خواست. حاج آقا با او احوالپرسی گرمی کرد و گویا از چهره او خوانده بود که برای چه به سراغ او آمده است اما اینکار برای من عجیب بود چون معمولا دادگاه ها و فضاها اینچنینی افراد برای کارهای

آقا کاملا به دفاعیات وکیل گوش داد. پس از استماع دفاعیات با خنده به آقای وکیل گفت: جناب وکیل میدانی برای چه تو را به اینجا دعوت کردم؟ وکیل گفت بله برای اینکه برای شما توضیح دهم که بر مبنای چه بندی از قانون سازمان این فرد را اخراج کرده است تا شما نیز ایشان را محکوم کنید. حاج آقا فرمودند خیر! هدف من از دعوت شما این بود که سوالی از شما بپرسم و آن سوال این است: میدانی که این مرد بیماری لاعلاج دارد؟ میدانی که چند فرزند محصل دارد؟ میدانی که طبق مستندات پرونده آدم آبرومندی است؟ آیا اگر او طبق قانون اخراج شود حقوق شما افزایش می یابد؟ یا پاداش خاصی به شما تعلق می گیرد؟ که اینگونه در پی اثبات اشتباهات او هستی؟ وکیل گفت خیر. اما من موظفم از سازمانم دفاع کنم و برای اینکار حقوق دریافت می کنم. حاج آقا فرمودند: ممنون از دفاع خوب و کامل شما ولی من رای را به نفع این مرد مظلوم صادر می کنم. شما هم برو و به مدیریت قضیه امروز را تعریف کن و به او بگو در برخورد با مردم مراعات مسائل اخلاقی و انسانی و وجدانی را نیز بکنند. همه چیز در قانون منعکس نمی شود... وکیل که از فرمایشات ایشان قلبا راضی بود هم لبخندی بارضایت زد و ضمن تایید تصمیم ایشان گفت

### حاکمیت اسلام و اسوه و الگوی

دنیای معاصر و آینده بسازند، اما متأسفانه علی رغم خدمات ارزنده و پیشرفتهای غیر قابل انکار ضعف ها و عقب ماندگی هایی غیر قابل تحمل نیز به چشم می خورد که سبب دغدغه خاطر مبارک رهبری معظم انقلاب نیز شده و می شود که مع عمیق الاسف پس از علامت گذاری از سوی رهبری، باز هم کم کاری ها و بدکاری ها مجال رسیدن به اهداف انقلاب و اسلام را به ما نداده و نمی دهد و همین امر مایه امید دشمن بوده و می باشد. به همین جهت هر مسلمان پاکدلی تلاش می کند با فکر و اندیشه راهی به سوی بهینه شدن امکانات و رفع مشاغل از جمله بیکاری و تورم شتابنده و کمی تولید و سرانه ملی و وجود نا امنی مرئی و نامرئی بیاید.

حقیر و جمع دیگری از علاقمندان نظام از حوزه و دانشگاه و افراد دلسوز از اقشار دیگر، با مطالعه مستمر و مکرر، چاره جویی هایی نموده ایم که اگر فرصت کم شما اجازه دهد و برای استماع توضیح آن وقتی را تخصیص دهید مایه امتنان خواهد بود و امید است آنچه که ما تهیه کرده ایم با استماع و ضمیمه نمودن رهنمودهای نورانی جنابعالی، طرحی قابل اعتماد و قابل اجرا متناسب با توان موجود کشور شده و راهی باشد به سوی بهتر شدن اوضاع اقتصادی، اجتماعی، آنچنانکه شایسته شان نظام اسلامی و حکومت اسوه و الگوست و نا امیدی بیش از پیش دشمن ارادتمند

سید حسن شجاعی کیاسری  
۱۳۸۲/۱۰/۱۵



و سیاسی در جوی که گفته شد هم درایت و ویژه می خواهد و هم فرصت، که الحمدلله و له الشکر خداوند هشیاری و درایت را به وفور در جنابعالی به ودیعه گذاشت که جرقه های این هوشیاری هیبت پوشالی استکبار را بیش از همیشه می سوزاند و دنیای معاصر را در جبهه واحدی علیه امریکا و بازی های نخ نمای او بسیج می نماید و به دل خستگان نوید می دهد که:

ای منتظر غمگین مشو، قدری تحمل بیشتر گردی بر آمد از افق، گویا سواری می رسد آری، هدایت چنین حرکتی با چنان بازتاب دو سویه که هر روز توسعه می یابد، حضور فعال و هوشیار رهبری معظم را می طلبد که تمام روز و شبش صرف اینکار می شود و دیگر مجال برای پرداختن به خرده مسائل داخلی و خارجی برای او نمی ماند. در این شرایط انصاف آن است که دولتمردان کشور بکشند تا با دقت هر چه بیشتر و بهتر و پردازش طرح ها و برنامه ریزی های کارآ و عملکرد کمی و کیفی، کشوری شایسته

### آیت .. شجاعی خطاب به رهبر معظم انقلاب:

## جرقه ای از هوشیاری شما هیبت پوشالی استکبار را سوزاند

« بسمه تعالی »

محضر مبارک رهبر فرزانه انقلاب و ولی امر مسلمین جهان

حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته

باسلام و احترام و انجام مراسم تعظیم و تکریم، تصدیق می دهم که بر آگاهان سیاسی و معرفتی پوشیده نباید باشد مسئولیتی که جمهوری اسلامی ایران با هدایت و رهبری حضرت امام راحل آغاز نمود و با درایت جنابعالی ادامه میدهد، بسی دشوار، طاقت فرسا و توانگیر است.

زیرا از سویی با منافع مستکبران جهانخواه واذناب و اقمار جاهلش در تعارض آشکار است و از سوی دیگر امیدی است برای مردم خسته از ستم و غارت و فریب که راهی به سوی نجات و خلاصی پیشروی نمی یابند و به ناچار دنیای سخت و بی روحی را می گذرانند آری، تحقق آرمان عظیم اسلامی در ایران سکه ای دورو بود و هست که یکروی آن ذوالفقار علی (ع) است بر گردن جهل و ظلم و نفاق و فریب و سیه کاری و سفید نمایی اشداء علی الکفار و روی دیگر آن رحمت و برادری و عدالت و مواسات اسلامی برای مردم در رنج دنیا رحماء بینهم و هر روز که از عمر پر برکت جمهوری اسلامی می گذرد، هم مردم ستمدیده دنیا با این

روی سکه انقلاب که مربوط به آنان بود و هست آشناتر شده و امیدوارتر می شوند که آنچه در فلسطین مظلوم و انتفاضه اش و لبنان مجاهد و نستوه گذشته می گذرد نمونه ای از آن است

و هم استکبار که در راس آن امریکاست، احساس خطر جدی نموده و می نمایند، خطری که زیربنا و ربنای نظام های فریبکارانه حاکم بر آنان را تهدید می نماید. لذا برای پیشگیری از این خطر هر چه در توان سیاسی خود داشتند بکار گرفتند و چون شکست خوردند دیگر تنها راه چاره روش هایی است که این روزها در پیش دارند و آن تهدید به جنگ و حمله نظامی است. اتخاذ این روش قبل از آنکه تهدید برای مردم کشور عزیز ما باشد، نوید پیروزی است بر دشمن. زیرا اگر دشمن علی رغم ادعای خود قدرتمند بود هرگز با چماق و تهدید مستقیم وارد صحنه نمی شد و همچنان پنهان کارانه و با واسطه به روش های خائنه خود ادامه می داد.

آنچه گفته شد نه به این جهت بود که مطلب مهم جدیدی را به جنابعالی عرض کرده باشم که واقفم که شما بر آنچه گفته شد عمیق تر و قوف داشته و دارید بلکه فقط مقدمه ای بود که عرض کنم می دانم هدایت یک حرکت فکری، فرهنگی





## بیاد سید شجاع و صریح اللهجه دیارمان

شریف خود عهده دار بود، ارزش و اعتبار بخشید و با وجود آنکه سال‌های متمادی از حضور ایشان در کسوت وکالت مردم این دیار در مجلس شورای اسلامی سپری شده اما همچنان نام او تمثیلی است برای یک نماینده واقعی و مدافع حقیقی حقوق موکلان و چه بسا منتخبینی که در ادوار مختلف مجلس به پیشکسوتانی چون او تاسی بسته اند که مدرس وار در حق گوئی، هیچ مانع و رادعی برای خویش قائل نبوده و نیستند. مرحوم آیت الله شجاعی، عالم فاضل و روحانی متفکر از شجره طیبه سادات، عمری را به مجاهدت در راه ترویج شعائر دینی سپری کرد و در این مسیر خطیر بواسطه ی تلاش بی وقفه، نام نیکی از خود بجا گذاشت. علی الخصوص اهتمام ایشان در تالیف تفسیر نمونه از نقاط

درخشان فعالیت های مذهبی و فرهنگی آن بزرگوار می باشد که قطعا چراغ فروزان راه آخرت او خواهد بود. آن زنده یاد بلحاظ جایگاهی که در مسئولیت های کلان داشته و بویژه از جهت منزلت معنوی و پایگاه رفیع علمی و سوابق انقلابی از سرمایه های کم نظیر و ملی مردم شهرستان ساری بشمار می رفت و به همین جهت فقدان این فقیه عالقدر ثلمه ای جبران ناپذیر بوده و خلاء وجودی ایشان به زودی و به سادگی پر نخواهد شد. او بواقع تعبیر راستینی از نامش بود. در مناسبات اجتماعی همگان به سیادت وی معترف بودند، اخلاقی حسن داشت و در دفاع از حق و حقیقت شجاع بود و طی چهار دوره

در جامعه انسانی چه بسیارند نام هایی که ارزش و آوازه خود را مدیون عناوین و اعتبارات و جایگاه های دنیایی هستند اما تعداد نام هایی که خود به عنوان و جایگاه ها، ارزش و اعتبار می بخشند همواره در همه اعصار و دوره ها اندکند. صاحبان نام هایی که فراتر از مقام ها و جبروت مادی، پیوسته مرزهای اعتباری را در نوردیده و با ره توشه ای از معنویت و خداواری به وادی خلود و جاودانگی پا می گذارند، تشخص خود را نه وامدار فلان مسئولیت یا ریاست بلکه از برکت گام زدن در مسیر نورانی حق مداری بدست آورده اند. مرحوم آیت الله حاج سید حسن شجاعی از همین معدود نام هایی است که با شخصیت ممتاز و برجسته و مقام معنوی اش به همه مسئولیت هایی که در طول سال های عمر

نمایندگی مردم ساری در مجلس، این ویژگی ها را بی دریغ برای بهبود شرایط زندگی همشهریان خود ایثار می نمود. این روحانی گرانمایه، خطیب توانا، محقق نامور و حقوقدان مبرز همواره، چه پیش از پیروزی انقلاب و در دوران مبارزه، چه در سال های طولانی تدریس در حوزه علمیه قم و نیز در دوره نمایندگی و پس از آن ارتباط قلبی نزدیک و گسترده ای با آحاد همشهریان داشت لذاست که نام و آوازه اش در دل همه ماندگار شده و ماندگار خواهد بود. این ارتباط قلبی همه مرزها و فاصله ها را درنوردیده و روشنای آن پنجره ای از سپیدی را حتی به روی مردمانی از دورترین آبادیهای این دیار گشوده که از آن روحانی و آن سید صریح اللهجه و شجاع و نام آشنای سرزمین خویش بیادگار دارند.

محمد سعیدی

## شجاعی؛ مردی که از هیچ تهدیدی نمی هراسید

بود و ما هرگز شاهد بی تابی ها و جزع و فزع سیاسیون ناپخته از او نبوده ایم. صراحت لهجه و رک گوئی و نیز شفافیت مواضع انقلابی ایشان در تمامی حرکات و سکنات و کلماتش، همواره قابل رؤیت بود و حتی بیماری مزمن و مهلک نیز نمی نتوانست از او یک سازشکار و یا مسامحه کار بسازد. مرحوم آیت الله، مصداق بارز نام فامیلش یعنی یک شجاع ذاتی بود و کسی در طول همه سالهایی که گذشت، نتوانست از او حتی برای یکبار، ترس و یا محافظه کاری دیده و بر او خرده بگیرد و او در زمانی که موضوعی، مقتضی فریاد بود، فریادگری می کرد و در برابر پرخاشگری دیگران نیز هراسی به دل راه نمی داد. خاشع و متواضع بود، اما مواضع انقلابی و اسلامی او قاطعیتی برگشت ناپذیر داشت و بخاطر همین سادگی و صداقت و صفا و صراحت کلام، خیلی راحت، اعتمادهای عمومی را به خود جلب کرده و سندش، به دوش کشیدن رسالت چهار دوره نمایندگی مجلس از سوی مردم شهیدپرور مرکز استان مازندران یعنی شهرستان ساری بود که علیرغم آن همه رقابت های جدی با نامزدهای قدر، به آسانی پیروزی های انتخاباتی اش را تکرار می کرد. کسی نمی خواهد مدعی شود که او مثل سایر انسان های غیر معصوم، فاقد اشتباه بود، اما سخن اینجاست که او در فهم مسائل جامعه، دارای اندیشه ای مستقل بود و در چارچوب یک جناح و باند نمی گنجید و به عبارتی او کاملاً به تشخیص خود عمل می کرد و چه بسیار مواضع خارج از چارچوب جناحی اش حتی به مزاج برخی از دوستانش هم خوشایند نمی آمد و از او گله می کردند، اما او کسی نبود که از بابت این دلتنگی ها و گله ها، از مواضع تشخیصی و تکلیفی خود عقب نشینی کند. آیت الله شجاعی که از فضلالی بنام حوزه

علمیه قم و از مفسران تفاسیر معروف قرآن زیر نظر علماء اعلام و مراجع عظام در سنین جوانی بود، از بدو تجلی استانی و شهرستانی، که با کرسی قضاوت در دادگاه انقلاب اسلامی آغاز شد تا روزی که در کرسی وکالت و نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی قرار داشته و نیز تا آخرین روزهای عمر شریفش که ریاست چند شعبه از شعبات دیوان عدالت



**خاشع و متواضع بود، اما مواضع انقلابی و اسلامی او قاطعیتی برگشت ناپذیر داشت و بخاطر همین سادگی و صداقت و صفا و صراحت کلام، خیلی راحت، اعتمادهای عمومی را به خود جلب کرده و سندش، به دوش کشیدن رسالت چهار دوره نمایندگی مجلس از سوی مردم شهیدپرور مرکز استان مازندران یعنی شهرستان ساری بود**

اداری را به عهده داشت، همواره با اقبال عمومی مواجه بوده و مردم در مجموع مرام و منش این روحانی انقلابی و ولایی را پذیرفته و رویکرد بلاانقطاعی را در طی چهار دوره نمایندگی که یک رکورد بی تکرار بود، به نمایش گذاشته بودند.

ایشان که دارای آثار متعدد علمی و حوزوی است، یکی از مجتهدین مازندرانی و حتی در دو دوره نیز نامزد انتخابات مجلس خبرگان رهبری و دارای وجهه کاملاً معتبر حوزوی بوده است و از این نظر می توان به صراحت ادعا کرد که مازندران یکی از مفاخر حوزوی و یکی از مشاهیر سیاسی خود را از دست داده است.



مردی از جنس تلاش و جدیت و برخاسته از خاستگاه روحانیت که در باورش، جز خدمت جای نداشت، از ابتدای جوانی تا انتهای زندگانی اش، یکپارچه شور و اشتیاق و انگیزه بود و حتی یک لحظه تفکر انقلابی و مرام ولایی اش را کنار نهاده و انگیزه حضور ذی شعور در مراتب و مناصبی که ضرورت تجلی می یافت، در او فروکش نکرده و هرگز پا پس نمی کشید. مردی که زیاد می دانست و تامی توانست و می بایست، از هیچ تکلیفی نمی گریخت و از هیچ تهدیدی نمی هراسید و در مسیر باورهایش، هرگز به بدنامی نمی اندیشید و در تحمل فشارها و بعضاً بهتان ها، استخوان پهن

بیمارستان های تهران و مخصوصاً بیمارستان دی تهران شهادت خواهد داد که مازندرانی ها از علما و مسئولین گرفته تا آحاد مردم در طول این بیماری طولانی مدت سرطان خون، تا چه اندازه اظهار ارادت به ایشان نموده و حتی در زمانی که بار نمایندگی را نیز به دوش نمی کشید، باز هم هرگز ایشان را تنها نگذاشته اند.

اینجانب که در ۳۵ سال گذشته و در طول همه سالهای حضورش از نزدیک با ایشان مانوس بوده و آشنایی و مراوده داشته ام، علیرغم تعدد آراء و تفاوت دیدگاه در برخی از زمینه های سیاسی، اما در مجموع ایشان را فردی سرآمد، کارآمد، فعال و توانمند دیده و مهمتر از همه استقلال ایشان را در تصمیم گیری ها و قضاوت ها در باره مسائل و افراد دیده و شهادت می دهم که ایشان فردی دلسوز برای اسلام، نظام، امام، رهبری، روحانیت و ارزشها بوده و دل ایشان همواره برای مردم و بخصوص جوانان، مهربانانه و رؤفانه می تپید و ریشه بسیاری از فریادهای ایشان نیز در مشکلاتی بود که بعضاً جوانی را مایوس و افسرده کرده و یا زندگی زوج جوانی را در مخاطره و آستانه فروپاشی قرار می داد.

در پایان ضمن عرض تسلیت و تعزیت این مصیبت مؤلمه و آرزوی صبر و شکیبایی و برابری برای یکایک اعضای محترم بیت شریف، بخصوص همسر و فرزندان برومند و تمامی دوستداران ایشان که اتفاقاً بسیار وفادار هم بوده و هستند، برای این عالم سفرکرده نیز عفو و رحمت الهی و علو درجات اخروی مسئلت داشته و از مردم نیز خواهان وداعی شورانگیز و بزرگداشتی خاطره انگیز برای ایشان بوده تا تاریخ بداند که مازندرانی ها، همواره قدرشناس خادمان خویش اند.

صادقعلی رنجبر

عضو هیات علمی دانشگاه





ابراز همدردی و پیام تسلیت علما و مسئولین در ماتم رحلت روحانی نستوه

# شجاعی، پاک زیست و پاک به دیدار معبود شتافت

آیت ا. شجاعی:

## مرگ یک هدیه و مائده الهی است

همان جوری که دیدید حماسه امروز تکریم و تجلی بود برای شهادت گرانقدری که همه هستیشان را برای عزت این مردم دادند و این مردم همه عزتشون رو برای گرامیداشت این ها خرج می کنند و خرج کردند و هرچی مردم برای این ها بکنند بخشی از حقی است که خود این ها به مردم دادند و در حقیقت بخشی از حقوق خودشون رو به خودشون برمی گردانند.

ضمناً یک پیام رسا و گویا برای همه قدرت های جهانی بود که این ملت همچنان مصمم برای پاسداری از این ارزش هستند. شهادت را هیچ وقت مرگ تلقی نکردند، یک خسران تلقی نکردند، هیچ وقت ضرر تلقی نکردند. همیشه این فضیلت را به عنوان یک پیروزی و به عنوان یک کرامت به عنوان یک خاطره به یادداشتنی تلقی کردند و همچنان آرزو می کنند که مرگ شان با شهادت اتفاق بیفتد و ملتی که این چنین شهادت را گرامی می دارد هرگز زیر بار ذلت نمی رود، زیر بار ننگ نمی رود و فراوان چیزهایی که انسان های بیگانه از شهادت در زندگی مبتلای آن می شوند، مبتلا نخواهند شد قدرت مندهای دنیا سلاح هایی که در اختیار دارند فوق همه و بالاترین سلاحشون با پیام مرگ می آید ولی ملت ایران و ملت اعتقادی علوی و ولوی ایران اولین نقطه ای را که مسخره گرفته اند مرگ است. یعنی مرگ برای این ملت نه تنها ترس ندارد بلکه یک هدیه و مائده الهی است. کسی که مرگ رو که بزرگترین پیام سلاح های آتشین دشمنان ماست این چنین تحقیر می کند و فوق مرگ می اندیشد یقیناً هیچ سلاحی در دنیا پیدا نمی شود که قدرت بر خورد با چنین اندیشه ای رو داشته باشد.



خبر درگذشت مرحوم آیت الله سید حسن شجاعی (طاب ثراه) موجب تالم و تاثر شدید گردیده است. آن فقید علاوه بر ملکات علمی و اخلاقی از شجاعت مثال زدنی در بیان حق برخوردار بوده که بر کسی پوشیده نیست آنچنانکه حق گویی و حق طلبی ایشان زبانزده خاص و عام بوده است. برای اینجانب فرصت هم نشینی با ایشان بواسطه قرابتی که با مرحوم پدر داشتند فرصتی گرانمایه بوده و بدیهی ست که اکنون چنین خسرانی امکان جبران نداشته باشد. آن سالهای طلایی شهروندان مرکز مازندران در مجلس شورای اسلامی که با جهد و تلاش ایشان و یار همیشگی اش زنده یاد حاج عزت الله دامادی رقم خورده که آثار و برکات تلاش آن دو عزیز سفر کرده هنوز هم ملموس است از اذهان عموم مردم پاک نخواهد شد.

و اجر از درگاه خداوند متعال مسئلت می کنم.

### مجمع نمایندگان استان مازندران:

آیت الله شجاعی، فقیهی متعهد روشنفکر و انقلابی با فضایل و ویژگی های فراوان از جمله ی نخستین پیشتازان و مبارزان راه دشوار انقلاب و از چهره های اثرگذار بود و در شکل گیری انقلاب اسلامی نقش ارزنده ای ایفا کرد و در دوران جمهوری اسلامی نیز در شمار مجاهدان واقعی و معلم اخلاص و پرهیزگاری و پارسائی محسوب می گشت و در مناصب و مسئولیت های مهمی ایفای نقش نمودند. در گذشت آن عالم جلیل القدر استان مازندران، بی شک ثلمه ای بزرگ و جبران ناپذیر می باشد. ولی فقدان این عالم فرزانه هرگز نمی تواند خدمات ایشان را در عرصه های مختلف

در پی درگذشت عالم ربانی، روحانی مبارز و مفسر قرآن و نماینده سابق مرکز استان مازندران در مجلس شورای اسلامی، حضرت آیت ا. سید حسن شجاعی کیاسری جمع کثیری از مسئولین کشور و لشگری در پیام های جداگانه درگذشت این روحانی انقلابی را تسلیت گفتند. به سهم خود وظیفه می دانیم از زحمات ویژه آیت الله نظری خادم الشریعه و آیت الله طبرسی کمال تشکر را داشته باشیم که در برپایی هرچه باشکوهتر مراسم تشییع و خاکسپاری از هیچ کوششی دریغ نفرمودند. همچنین آیت هاشم زاده هریسی نماینده مجلس خبرگان رهبری که نصایح پدران ایشان راهنمایی کارمان بود. به رسم ادب و احترام گزیده ای از این پیام ها با توجه به محدودیت صفحات ویژه نامه منتشر می شود.

### آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی

#### رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام:

درگذشت حجت الاسلام والمسلمین سید حسن شجاعی کیاسری را به فرزندان، خاندان و مردم عزیز شهرهای کیاسر و ساری تسلیت می گویم. عالم بزرگواری که پس از کسب فیض از محضر اعظام حوزه های علمیه در مازندران و قم، به صفوف مبارزین پیوست و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طی ۴ دوره در مجلس شورای اسلامی و سپس در دیوان عدالت اداری منشا خدمات مؤثری برای نظام، ایران و مردم بوده اند.

### حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران:

درگذشت عالم جلیل القدر حجت الاسلام والمسلمین سید حسن شجاعی کیاسری موجب تاثر و تالم فراوان شد. آن روحانی وارسته علاوه بر حضور فعال در دوران مبارزه، پذیرش مسئولیت های مختلف سیاسی و قضایی از جمله چند دوره نمایندگی مردم شریف ساری را نیز در کارنامه خدمات خود دارد. اینجانب این ضایعه را به محضر مقام معظم رهبری، حوزه های علمیه و روحانیت معزز، مردم شریف ساری و به ویژه خاندان مکرم ایشان تسلیت عرض کرده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و سلامتی مسالت دارم.

### آیت الله آملی لاریجانی، رئیس قوه قضاییه:

بانهایت تاسف و تاثر درگذشت مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید حسن شجاعی کیاسری را به محضر حضرت بقیه الله الاعظم (عج)، مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و بیت محترم آن مرحوم تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن فقید سعید علو درجات و غفران الهی و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می نمایم.

### علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی:

مرحوم شجاعی کیاسری پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در مسئولیت های فراوان به ویژه نمایندگی چند دوره مجلس شورای اسلامی منشا خیر و برکات بوده اند. اینجانب ضمن عرض تسلیت این ضایعه به حوزه علمیه، دانشجویان، مردم شریف ساری و بیت مکرم ایشان، برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر



### سید محمد خاتمی، رئیس جمهور سابق:

رحلت عالم جلیل القدر و پرهیزگار و درد آشنا حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا سید حسن شجاعی موجب تاثر فراوان شد. از درگاه حضرت پروردگار برای روان پاک آن عزیز، علو درجات و برای بازماندگان معزز صبر و اجر و سلامتی مسئلت می کنم و مراتب تسلیت و همدلی خود را با بیت شریف شجاعی و ارادت مندان و دوستداران آن بزرگوار اعلام می دارم. پاک زیست و پاک به دیدار معبود شتافت.

### آیت الله طبرسی، امام جمعه ساری:

در گذشت تاثر انگیز عالم جلیل القدر آیت الله سید حسن شجاعی را به سلسله جلیله روحانیت و همه محبان و بستگان ایشان تسلیت و تعزیت گفته و از پیشگاه خداوند متعال برای آن مرحوم مغفور رحمت الهی و علو درجات مسئلت نموده و برای بازماندگان شریف به خصوص همسر و فرزندان برومندشان صبر و شکیبایی مسئلت می نمایم.

### ربیع فلاح، استاندار مازندران:

حضور مرحوم شجاعی در مسئولیت های مختلف منشا خیر و برکات ارزشمندی بوده است که در یاد و خاطره مردم مازندران بویژه مردم فهیم ساری ماندگار و ثبت است. اینجانب ضمن عرض تسلیت درگذشت فقید سعید آیت الله شجاعی به حوزه های علمیه، روحانیت گرانقدر، مردم شریف ساری و بیت مکرم آن سفر کرده برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت می نمایم.

از یادها محو نماید. مجمع نمایندگان استان مازندران درگذشت مجاهد خستگی ناپذیر آیت الله سید حسن شجاعی کیاسری را به نمایندگان محترم مردم ساری در مجلس شورای اسلامی و مردم ولایتمدار و شریف استان مازندران و شهرستان ساری تسلیت عرض نموده و علو درجات را از خداوند منان برای آن روحانی فداکار و عالم وارسته مسئلت می نماید.

### سید رمضان شجاعی کیاسری

#### نماینده مردم ساری و میانرود در مجلس:

فقدان عالم و عارف وارسته و ربانی حضرت آیت الله حاج سید حسن شجاعی کیاسری از علمای شجاع و انقلابی، ثلمه ای جبران ناپذیر و ضایعه ای بزرگ است. که تنها لطف حضرت حق می تواند آن را جبران کند. اینجانب ارتحال ملکوتی این فقیه بزرگوار را به امام عصر (عج) و نایب بزرگوارش حضرت امام خامنه ای (دامت برکاته)، مراجع عظام، روحانیون و طلاب گرانقدر بویژه شاگردان و خاندان و بیت (معظم له) و عموم مردم شریف و داغدار مازندران تسلیت عرض نموده و بواسطه اینکه ایشان تمام عمر را در جذب نوری عاشورایی زیست و هر منبر خود را به نام مبارک حضرتش آراست و اینک در آستانه اربعین حسینی به میهمانی حضرتش شتافت، شفاعت و. هم نشینی با سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) برای ایشان مسالت می نمایم.

### محمد دامادی

#### نماینده مردم ساری و میانرود در مجلس:

# گزارش تصویری



Khazar Nama

photo: Arman Rezaei Aghozgole